



تعیین دقیق مناسبت‌های مهم ادیان، همواره با دشواری‌هایی روبه‌رو بوده است. فارغ از فقدان تاریخ‌نگاری مضبوط در روزگار باستان، عمده‌ترین دلیل در نادقیق بودن تاریخ مناسبت‌های ادیان، رسوخ و تراوش مبانی آیینی - اسطوره‌ای در ادیان متأخر است. مسیحیت نیز از این عارضه مصون نبوده است. گو اینکه ولادت مسیح را عرفاً در بیست و پنجم دسامبر می‌دانند، این تاریخ، تعارضاتی با برخی ادله و شواهد جغرافیایی و تاریخی دارد.

مقاله حاضر می‌کوشد با ذکر این شواهد، صحت میلاد مسیح در پایان دسامبر را به تشکیک درآورد. اخبار ادیان از ملاحظات انتقادی پژوهشگران در باب مقاله حاضر استقبال می‌کند و وعده انتشار نقدنامه‌های وارده بر این مطلب را می‌دهد.

علی‌رغم اینکه اغلب می‌پندارند حضرت مسیح (ع) در بیست و پنجم ماه دسامبر متولد شده است و بدین مناسبت جشن برپا می‌کنند، حقیقت این است که در کتاب مقدس دلیل یا شواهد تاریخی‌ای برای اثبات این تاریخ وجود ندارد و برعکس قرائتی در کتاب مقدس موجود است که نشان می‌دهد حضرت مسیح در تاریخ دیگری متولد شده است. این شواهد و ادله را ذیل چند محور می‌توان برشمرد.

۱. به‌طور کلی در نیمکره شمالی و در سرزمین فلسطین که مولد حضرت مسیح است، ماه دسامبر نوام

میلاد مسیح (ع)

پایان دسامبر

یا نیمه سپتامبر؟

عبدالحسین طریقی





با آب و هوایی سرد و بارانی است. طبق کتاب جامعه سلیمان (۲:۱۱) و کتاب عزراء نبی (۱۳ و ۱۰:۹) در خلال زمستان چوپانان گله‌های خود را برای محافظت از باد و باران و سرما در طوبله نگاه می‌دارند. اکنون بیستم کتاب مقدس درباره فصلی که حضرت عیسی متولد شده است چه می‌گوید. در انجیل لوقا (۸:۲) چنین آمده: «و در آن نواحی شبانان در صحرا پسر می‌برند و در شب پاسانی گله‌های خویش می‌کردند.» این آیه از کتاب مقدس به وضوح نشان می‌دهد که هنگام تولد عیسی چوپانان شپها در مزرعه از گله خویش نگهداری می‌کردند. اما این غیرممکن است که گله‌های گوسفند در ماه دسامبر که درجه حرارت به کمترین حد خود در عرض سال می‌رسد، در مزرعه باشند.

بر اساس کتاب جغرافیای کتاب مقدس، نوشته دنیس بالی آخرین هفته ماه دسامبر مطابق ماه دهم تقویم یهودی به نام طوط (دی‌ماه) است که در این ماه آب و هوای اورشلیم (بیت‌المقدس) سرد و برفی است (Aid to Bible understanding, N.Y. ۱۹۷۱, p. ۱۵۸۰).

بنابراین در این ایام چوپانان برای حفظ گله‌هایشان از باران و هوای سرد، آنها را در اصطبل و آغل نگهداری می‌کنند. این واقعیت تاریخی ثابت می‌کند که عیسی مسیح در زمستان متولد نشده است.

۲. دلیل دوم بر عدم تولد حضرت مسیح در ۲۵ دسامبر نقل قول لوقاست که اظهار داشته به علت نبودن جا در کاروانسرا عیسی در یک آشور متولد شده است. هرساله یهودیان عید کرنا، روز کفاره و دیه و عهد خیمه‌ها را در تشرین (هفتمین ماه عبری) جشن می‌گرفتند. این جشن‌ها در فصل پاییز به پا می‌شد. در این ایام بیت‌المقدس، شهرهای اطراف و منازل مملو از کاروانسراها و منازل مملو از یهودیانی می‌شد که برای برپایی مراسم جشن آمده بودند و حضرت مریم و یوسف تجار به عنوان یهودی هر ساله برای بزرگداشت این ایام مقدس به بیت‌المقدس می‌آمدند. بنا بر انجیل لوقا (۴:۲): «والدین او (عیسی) هر ساله برای عید فصح به اورشلیم می‌رفتند.» با این حال هر یهودی باید در ماه تشرین (ابتدای پاییز) مالیات بپردازد. در زمان پرداخت مالیات و اسمن‌نویسی، یوسف از بلده ناصریه به بیت‌الحم رفت تا

در آنجا اسمن‌نویسی کند. بر اساس لوقا (۲:۲-۵): «یوسف به بیت‌الحم رفت تا نام او با مریم که نامزد او بود و نزدیک به زاییدن بود ثبت گردد. وقتی که ایشان در آنجا بودند هنگام وضع حمل او رسید. در همین ایام حضرت مریم بایستی وضع حمل نماید و پسر نخستین خود را زایید و او را در قنناقه پیچید و در آشور خوابانید زیرا که برای ایشان در منزل جایی نبود.»

مریم و یوسف نمی‌توانستند اتاق در کاروانسرا پیدا کنند زیرا تمام کاروانسراها پر از هزاران یهودی بود که برای پرداخت مالیات و بزرگداشت این ایام مقدس به بیت‌المقدس و شهرهای اطراف می‌آمدند و این مقارن ماه تشرین در ابتدای پاییز بود. در این زمان یعنی در ابتدای پاییز بود که عیسی متولد شد، نه در ماه دسامبر که در زمستان است.

۳. در روزگار حضرت عیسی، کاهنان یهود به پیروی از قانون تقسیم وظایف به خدمت در معبد خداوند ادامه دادند که داود آن را پایه گذاشته بود. هر کاهنی در نوبت خود یک هفته، شبانه‌روز در معبد خدمت می‌کرد. هر یک از این نوبت‌های بیست‌وچهارگانه، به نام کاهنی از نسل هارون، نامیده و به قید قرعه به نام هر یک از آنها زده شد. حضرت داود هر کاهنی را برای خدمت هفتگی در طی شش ماه منصوب می‌کرد (کتاب اول تواریخ ایام، باب ۲۴:۲۴-۷).

بنابراین برای اتمام این بیست‌وچهار دوره خدمت کاهنان در معبد خداوند بیست‌وچهار هفته وقت لازم بود. اولین نوبت قرعه، به نام یهواریب (Yehoiarib) معروف بوده که در روز شنبه ماه نیشان از تقویم عبری آغاز می‌گردید که در فصل بهار است. نوبت معزیا (Maaziah) بیست‌وچهارمین و آخرین دوره بود. طی ۴۸ هفته، نوبت قرعه‌ها دو بار در سال پیش می‌آمده است.

با شناخت این تقسیم نوبت‌ها، می‌توان زمان تولد یحییای معلمان و در پی آن زمان ولادت عیسی را معین کرد.

هنگامی که زکریا در معبد خداوند بود، جبرائیل، فرشته الهی بر او وارد شد تا پسری را بشارت دهد که همسرش به دنیا خواهد آورد: «در ایام هیروودیس پادشاه یهودیه، کاهنی زکریانام از فرقه ایبا بود که زن او از دختران هارون بود و ایصابات نام داشت» (لوقا: ۱-۵).

این آیه نشان می‌دهد هنگامی که زکریا معبد خداوند را - در نوبت و دوره ایبا - خدمت می‌کرد، بشارت تولد پسر را دریافت کرد.

بنا بر کتاب اول تواریخ ایام باب ۲۴ آیه ۱۱ قرعه (نوبت) هشتم به نام ایبا (ایجده) بوده است. این نشان می‌دهد که پس از شروع اولین ماه نیشان، یعنی در هفته نهم اتفاق افتاده است (شامل هفته اول عید فصح...)، بنابراین زمان خدمت کردن او بعد از محاسبه از ششم

آوریل (هفتم فروردین) پنج قرن قبل از میلاد که در روز شنبه اول نیشان بوده بین ۲۷ ایار و پنجم سیوان (خرداد - ژوئن) از تقویم سریانی - عبری بوده است. بنابراین اگر فاصله زمانی بین بشارت دادن تولد پسر به زکریا تا تولد همان بچه یعنی یحیی را محاسبه کنیم، به تاریخ بیست‌وهفتم مارس (فروردین)، حدود اول ماه نیشان به تولد یحییای معلمان می‌رسیم.

عیسی شش ماه از یحیی جوانتر بود، زیرا شش ماه پس از بشارت به زکریا، جبرائیل از سوی خدا به مریم فرستاده شد که به او بگوید: «او اینک حامله شده پسری خواهی زایید و او را عیسی خواهی نامید» (لوقا ۱:۳۱). اگر به تاریخ ولادت یحیی شش ماه بیفزاییم (یعنی حدود ۲۷ مارس - اول نیشان)، به تاریخ ولادت عیسی حدود نیمه سپتامبر می‌رسیم (اول تشرین) که این روز در اوایل پاییز بوده است. این سومین دلیل بر اینکه عیسی در سپتامبر متولد شده است.

۴. از ادله و شواهد فراوان برمی‌آید که عیسی مسیح در بیست‌وپنجم دسامبر متولد نشده بلکه جشن کریسمس از عصر ماقبل مسیحیت که به عصر «شرک باستان» مشهور بوده نشأت گرفته و در قرن چهارم میلادی وارد مسیحیت گشته است. این واقعیت مورد قبول کلیسای رومی نیز قرار گرفته است.

دایره‌المعارف کاتولیک چاپ سال ۱۹۱۱، تحت عنوان کریسمس چنین می‌گوید: «جشن کریسمس در میان جشن‌های اولیه کلیسا نبود. اولین شواهد و نشانه این جشن از مصر است. آداب و رسوم شرک‌آلود پیرامون روز اول ژانویه در جشن کریسمس جذب و تحلیل گشت.»

دایره‌المعارف آمریکانا نیز این حقیقت را مورد تأیید قرار می‌دهد: «در قرون اولیه کلیسای مسیحی، این جشن برگزار نمی‌گردید. این جشن به یادبود تولد عیسی مسیح در قرن چهارم مرسوم شد. در قرن پنجم کلیسای غربی دستور داد مراسم میترایی به مناسبت تولد خورشید در ایام مراسم مهرپرستی و در انتهای جشن خدای زحل (Saturnalia) برگزار گردد (یعنی در تاریخ بیست‌وپنجم دسامبر).

آداب و رسوم بسیاری که اینک با کریسمس همراه شده است مربوط به مراسم پیش از مسیحیت و غیرمسیحی بوده که کلیسای مسیحی آن را گرفته است. جشن خدای زحل (ساترنالیا) یک جشن رومی بوده که در نیمه ماه دسامبر برگزار می‌شد و نمونه‌ای را برای بسیاری از آداب شادمانی کریسمس ارائه می‌کرد» (آمریکانا، چاپ ۱۹۵۶، جلد ۶، صفحه ۶۲۲).

از شواهد و قراین فوق برمی‌آید که ولادت مسیح (ع) در تاریخ مرسوم مسیحیان، رخ نداده است و برگزاری کریسمس در اواخر دسامبر عمدتاً ناشی از تراوشهای تفکرات اسطوره‌های ماقبل مسیحیت است.

